

اخلاق زیست خانوادگی در سیره عارفان ثقلینی معاصر

دادخدا خدایار^۱

چکیده

اخلاق زیستی علم بقای انسان و بهبود زندگی اوست که زیست‌شناختی را با ارزش‌های انسانی ترکیب می‌کند لذا به نوعی با سبک زندگی و اخلاق ارتباط دارد. خانواده رکنی مهم از حیات انسان است که در صعود و سقوط او نقش و جایگاه بی‌بدیلی ایفا می‌کند. بدیهی است چنین نهاد سرنوشت‌سازی باید دارای آیین خاصی باشد تا بتوان از ظرفیت آن در حیات و بقای انسان بهره‌برداری کرد. این آیین را می‌توان اخلاق زیست خانواده نام نهاد.

در دین غنی اسلام به کانون مقدس خانواده و نقش آن در تعالی مادی و معنوی انسان به‌طور جدی توجه شده، و توسط دانشمندان اسلامی از جمله عرفا مورد عنایت ویژه بوده است. عرفای اسلامی در ادوار مختلف اسلام مصداق انسان‌های مصلح و منشأ برکات بسیاری برای بشریت بوده‌اند و تجارب و رهنمودهای راهبردی و کاربردی در موضوع اخلاق زیستی به‌ویژه اخلاق زیست خانوادگی را ارائه کرده‌اند.

سؤال اصلی این است که عارفان ثقلینی معاصر از چه اخلاق زیستی در خانواده خود برخوردار بوده و چه توصیه‌های اخلاقی برای ارتقای سلامت جامع در زیست خانوادگی ارائه کرده‌اند؟ در این نوشتار سعی شده است تا با روش اسنادی به مطالعه و بررسی آثار و احوال برخی از عارفان مشهور شیعی معاصر و تحلیل و توصیف آن، پاسخ سؤال مطروحه دریافت و ارائه شود.

به نظر می‌رسد عارفان ثقلینی معاصر براساس آموزه‌های ناب اسلامی خود از معرفت و علم و اخلاق و رفتار لازم در حوزه زیست خانوادگی برخوردار بوده و مصداق کاملی از یک انسان مصلح و طیب معنوی بوده‌اند و در فرصت‌های ممکن با روش‌های مختلف، دیگران را نیز به آداب و آیین زیست اسلامی توصیه کرده‌اند که باعث ارتقای

۱. استادیار گروه فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسؤول)

سطح سلامت، امنیت، آسایش و آرامش فردی و اجتماعی می‌گردد. زندگی خود این عارفان و پیروان آنها نشان می‌دهد که نوع سبک زندگی و اخلاق زیستی آنها در خانواده باعث رشد و گسترش بهداشت و سلامت جسمی و روانی افراد و جامعه می‌گردد و تجربه زیستی و الگوی اخلاقی آنها خانواده‌ها را استحکام می‌بخشد. مخصوصاً در عصری که بنیاد خانواده‌ها متزلزل و آمار طلاق‌ها و فرار از خانه بیش از هر زمان دیگری خود نمایی می‌کند.

واژگان کلیدی

اخلاق زیستی، اخلاق خانواده، عارفان ثقلینی، سلامت و بقای زندگی

اخلاق زیست خانوادگی در سیره عارفان ثقلینی معاصر

یکی از مصائب بشریت آن است که در عصر حاضر و مدرنیته، تفکرات سکولاری و ماتریالیستی، عقاید مقدس و الهی و ارزش‌ها و باورهای اخلاقی را هدف قرار داده و برای رسیدن به امیال شیطانی خویش به اساس حیات معنوی و حتی زیست طبیعی انسان و جهان هجمه و لطمه وارد کرده و می‌کند. از جمله مصادیق ارکان حیات مادی و معنوی بشر که امروزه توسط تکنولوژی مخرب و ضد بشری متزلزل و تضعیف گشته است، ارکان و بنیان خانواده می‌باشد. زیرا خانواده کانون اولیه و اصلی ساخت باورها، ارزش‌ها و اخلاق و شخصیت انسان، و رشد و سلامت جسمی و روحی افراد است. محیط خانواده می‌تواند انسان را به تعالی و کمالات مادی و معنوی برساند و این در صورتی است که محیط خانواده مملو از اخلاق، سلامت، امنیت، آرامش و آسایش باشد. بر همین اساس تفکر سکولار و لائیک با استفاده از ابزار و ماشین تکنولوژی مدرن می‌خواهد این مانع مهم و تاثیرگذار را از سر راه خویش بردارد تا جامعه را به فساد و تباهی بکشد. چون منافع خود را در دین‌زدایی، اخلاق‌زدایی، تخریب مقدسات و از بین بردن معنویات و ارزش‌ها می‌بیند. یقیناً چنین اهداف و اقداماتی حیات و بقای انسان را در کره زمین به مخاطره انداخته و آن را تهدید و تخریب می‌کند. بحران معنوی در امور اخلاقی و غرائز جنسی نمونه‌ای از نتایج چنین برنامه‌هایی است. چنانچه مبارزه و مقابله جدی با این تفکر و اعمال ضد بشری و ضد اخلاقی صورت نگیرد، اساس انسان و زیست طبیعی و زندگی معنوی به شدت و بیش از پیش ضربه خواهد خورد. یکی از راه‌های مقابله با این تفکر استفاده از راهبردهای دینی و اخلاقی و تقویت روح دینداری و اخلاق‌مداری و فطرت‌گرایی است. استفاده از تجربه انبیاء و اولیای الهی و انسان‌های مصلح در طول تاریخ مخصوصاً تجربه

انقلاب اسلامی ایران در دوران معاصر، این ادعا را اثبات کرده است. بخشی از این توفیقات، مربوط به اندیشه‌ها و سیره‌های نظری و عملی عارفان ناب اسلامی است که نمونه آن در شخصیت جامع امام خمینی (ره) به عنوان مصداقی روشن از عارفان ناب ثقلینی، برای ایران و جهان غیرقابل انکار و کاملاً مشهود است.

عرفای ثقلینی در ابعاد مختلف از جمله خانواده و کم و کیف حفظ و ارتقاء و بهره‌وری متعالی از آن، اندیشه‌های راهبردی و شیوه‌های کاربردی ارائه کرده‌اند که می‌تواند نقشه راه و الگوی شایسته‌ای باشد برای مقابله با تهدیدات علیه ارزش‌های خانوادگی. اخلاق زیست خانوادگی آنان میراث مفیدی است برای حفظ بنیان خانواده‌ها و رشد و تعالی آن. در آثار و احوال عرفای مورد نظر ملاحظه می‌شود که همواره سفارشات و رهنمودهایی را برای خانواده‌ها بیان کرده‌اند تا بتوانند محیط آرامی را برای خود و فرزندان خود فراهم کنند و فرزندانی سالم و صالح را به جامعه تحویل دهند. عارفان علاوه بر آن توجه ویژه‌ای به خانواده‌ی خود داشته و سیره و روش خاص معنوی را در زندگی پیش گرفته‌اند، در نتیجه بر مبنای اخلاق و رفتار نیکویشان در خانواده، توانسته‌اند فرزندان صالحی را پرورش دهند. از جمله ویژگی‌های سبک و روش زیستی عارفان آن است که آنها در امور مختلف خانواده مشارکت مستقیم و مؤثر داشته، احترام ویژه‌ای به همسر و فرزندان خود می‌گذاشته و رفتار و اخلاق نیک را سرلوحه‌ی زندگی خود قرار داده‌اند. و تمام هم و غم خود را صرف تربیت درست فرزندان، اخلاق نیک، آموختن فضائل، آموزش مسائل و احکام دینی و احترام و احسان به پدر و مادر و همچنین رعایت عفاف و حجاب کرده‌اند و به‌طور کلی ارزش و اهمیت خاصی برای خانواده و نقش آن در فلاح و نجاح انسان و جامعه قائل بوده‌اند. در این مقاله برآنیم اخلاق زیستی خانواده را از منظر برخی عرفای شیعی معاصر با روش اسنادی مورد بررسی قرار دهیم و پیرامون جایگاه و ارزشمندی خانواده، عوامل

تحکیم آن، تربیت فرزندان، احترام متقابل و عفاف و حجاب و تاثیر آن در بهداشت و سلامت جسمی و روانی از دیدگاه آنها بهره مند گردیم. با عنایت به اینکه عرفا روش و سبک خاصی را در زندگی پیش گرفته‌اند تا به مقامات عالی عرفانی رسیده و از مقربان درگاه حق گشته‌اند. می‌خواهیم بدانیم آن روش اخلاقی ویژه‌ای که در زیست خانوادگی خود از آن استفاده کرده‌اند و موفق شده‌اند به کمالات دنیوی و اخروی و مادی و معنوی برسند، کدام است تا به‌عنوان درس و الگو مورد استفاده دیگران نیز قرار گیرد. این الگو می‌تواند نسخه شفابخشی برای جوامع عصر حاضر باشد که آمار طلاق‌ها و برون‌گرایی و فرار از خانه اسفناک است و زندگی مجردی و بدون همسر و همجنس‌گرایان در دنیای غرب متداول گردیده است. پیش از آنکه وارد به اصل بحث شویم لازم است به شرح مختصر بعضی از مفاهیم و واژه‌های کلیدی مورد نیاز پرداخته شود.

۱- خانواده

انسان موجودی «مدنی بالطبع» یا «مدنی بالجبر» و یا «مدنی بالاستخدام» است. (طباطبایی، بی‌تا، ۹۷/۳ و ۵۵/۷؛ شریفی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲) لذا زندگی جمعی و زیست اجتماعی انسان یکی از ضرورت‌های روحی و روانی اوست و نامیدن او را به این اسم را دلیل نیازمندی‌اش به انس و الفت با دیگران ذکر کرده‌اند. (مخزن الموسوی، ۱۳۸۹، ص ۳؛ گوهرین، ۱۳۶۷، ص ۱۰۶)

کوچک‌ترین و در عین حال اصلی‌ترین کانون زندگی جمعی انسان «خانواده» است که در محدودترین گستره مفهومی خود با ازدواج میان مرد و زن شکل می‌گیرد. با تولد فرزندان مفهوم خانواده گسترده‌تری می‌یابد. سپس با ملاحظه بستگان نزدیک گستره سوم مفهوم خانواده که به معنای خانواده بزرگ است شکل می‌گیرد. و حتی با در نظر گرفتن همه بستگان مفهوم «تبار و عشیره»

نیز می‌تواند تحقق یابد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷) در قرآن و روایات به مسائل و مباحث خانواده در همه گستره‌ها توجه شده است. اما این گستره در همه جوامع یکسان نیست و مخصوصاً در دنیای صنعتی محدود گردیده و گستره حداقلی آن را نیز آسیب زده است. آنچه اینجا مدنظر می‌باشد روابط و معاشرت افراد درون خانواده با هم و حقوق و وظایف آنها با یکدیگر است. بدیهی است که چنانچه این روابط تحت نظم و قواعد معین و عادلانه‌ای نباشد منجر به آفات، آسیب‌ها و مصائبی برای افراد گردیده و حیات و سلامت و امنیت و آسایش و آرامش آنها را مخدوش و سلب می‌کند و برعکس چنانچه قواعد اخلاقی و انسانی عادلانه و شایسته‌ای بر روابط و معاشرت زندگی خانوادگی حاکم باشد، حیات مطلوب و طیب به همراه رشد و کمال و صفا و سلامت برای خانواده‌ها به ارمغان خواهد آورد. و خانواده را مبدل به بهشتی آرام‌بخش خواهد کرد. این آئین و آداب و قواعد و مقررات می‌تواند جنبه حقوقی و قانونی و نیز جنبه اخلاقی و معنوی و یا دینی و الهی داشته باشد. مفاهیم مذکور از جهتی می‌تواند تحت عنوان «اخلاق زیستی خانوادگی» تلقی شود.

۲- اخلاق زیستی

اصطلاح «اخلاق زیستی» اولین بار در سال ۱۹۷۰ میلادی توسط «رنسلر پاتر» به معنای «علم بقا» به کار رفت. که هدف آن حفظ زیست کره زمین و در نتیجه بقای انسان و بهبود کیفیت زندگی او بود. به گفته وی اخلاق زیستی «رشته‌ای است که دانش زیست‌شناختی را با نظام ارزش‌های انسانی ترکیب می‌کند» سپس تعریف‌های دیگری نیز ارائه شد. از جمله اینکه: «اخلاق زیستی تحلیل انتقادی موضوعات اخلاقی در حوزه بهداشت و سلامتی است»، لذا دربر دارنده اخلاق پزشکی نیز می‌شود. و از جهتی اخلاق عملی محسوب می‌شود و در تعریفی

گسترده به همه مشکلات گوناگون اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مربوط به اخلاق پزشکی و از جمله مسائل اخلاقی مربوط به رشد تکنولوژی‌های زیستی اشاره دارد. (پورمحمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۰-۳۸)

بر این اساس اخلاق زیستی دارای حوزه‌های نظری، بالینی، حقوقی و فرهنگی خواهد بود که علاوه بر ارتباط با اخلاق پزشکی با سایر علوم نیز ارتباط داشته و در کل حوزه‌ای از فلسفه اخلاق محسوب می‌شود که در فلسفه و دین نیز جای بحث و فحص دارد. با عنایت به رویکرد اخلاق زیستی می‌توان ادعا کرد که چون حیات اجتماعی انسان از جمله زیست خانوادگی او به سبب علوم و تکنولوژی لجام گسیخته و تمدن جدید سکولاری، سخت آسیب دیده و اساس و پایه خانواده‌ها و روابط سالم و طبیعی و اخلاقی آن را متزلزل کرده است، جای دارد تا اخلاق بالاخص اخلاق دینی و مخصوصاً اخلاق اسلامی - عرفانی برای حفظ و تحکیم بنیان خانواده و جلوگیری از تخریب و تضعیف آن، به آسیب‌شناسی و چاره‌اندیشی موضوع پردازد و شیوه‌های راهبردی و کاربردی برای آن ارائه نماید. یکی از شیوه‌ها و روش‌ها و ابزار کثیر مقابله با تخریب‌های تمدن جدید بر روی خانواده‌ها، بهره‌مندی از تجارب، سیره و روش و معارف و سفارشات کاربردی انسان‌های کامل و مصلح و متخلق به اخلاق الهی است که توانسته‌اند نظراً و عملاً در مقابل تهدیدات مذکور مقاومت کنند و خود و خانواده و جامعه خود را از گزند و آفات تفکر ضد بشری و اخلاقی سکولاری و استکباری و ماتریالیستی حفظ کنند. بخشی از این انسان‌های صالح و مصلح و هادی و مهدی، عارفان مسلمان ثقلینی می‌باشند که سرمایه‌ای ارزشمند و کارساز برای حفظ و تقویت سلامت و سعادت و بقاء و کمال بشریت محسوب می‌شوند.

۳- عارفان ثقلینی

از روش‌های شناخت حقیقت و نیل به آن در اسلام، در کنار مشرب فلسفی و کلامی و تجربی، مشرب عرفان اسلامی است که معتقد است به استناد آموزه‌های قرآن و احادیث معصومین (ع) بهترین ابزار برای شناخت حقیقت هستی قلب است و معرفت قلبی معرفتی مستقیم و شهودی و حضوری است که متعالی‌ترین شناخت و در عین حال وصول به حقیقت می‌باشد. و نتیجه عبودیت و عمل براساس شریعت محسوب می‌شود، به تعبیری دیگر عرفان نظری (کشف و شهود) ثمره و نتیجه عرفان عملی (عمل عرفانی) است. (امینی نژاد، ۱۳۸۷، ص ۳۴-۲۵)

از آنجا که در طول تاریخ اسلام گروه‌ها و افراد کثیری ادعای عرفان کرده و بعضی متصوفه خود را مؤسس و پرچمدار آن دانسته‌اند، اما طریقت و اندیشه‌ها و آموزه‌های آن مطابق و مورد تأیید قرآن و سنت و عترت نبوده و بعضی از ائمه اهل بیت (ع) آنها و تعالیم و طریقتشان را نقد و رد کرده‌اند و از طرفی در دوران معاصر عده‌ای صوفی‌نما و مدعی معنویت با ارائه عرفان‌های کاذب و شبه معنویت‌های جعلی خود را عارف قلمداد کرده‌اند، این حقیر با رهنمود از روایت معروف نبوی (ص) و وصیت ایشان که فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ...» (سبحانی، ۱۳۸۳، ص ۴۲/۱) عارفانی را که مرام و مسلک و طریقت آنها براساس و شاخص‌های شریعت ناب اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت و عترت می‌باشد «عارفان ثقلینی» نام نهاده‌ام. نمونه و مصداق کاملی از این عنوان در قرن حاضر، حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد.

حاصل کلام آنکه آنچه در این نوشتار مورد نظر است بررسی اخلاق خانواده در گستره حداقلی آن یعنی همسر، فرزند، پدر، مادر، در سیره خانوادگی بعضی از عارفان شیعی معاصر با تأکید بر اخلاق زیستی و سبک زندگی اسلامی است که منجر به بهداشت سلامت، رشد، ارتقاء و بهبود امنیت و آرامش روانی و معنوی

فرد و جامعه می‌گردد و از ناهنجاری‌های زیستی و رذایل اخلاقی پیشگیری می‌کند و یا دردهای روحی و روانی خانوادگی را درمان می‌بخشد. بدیهی است آنچه در گفتار و رفتار عارفان مشاهده می‌شود برگرفته از آیات و روایات است که به تجربه عمل و کشف و شهود آنها منجر شده است و ما به دلیل محدودیت کمی این مقاله از ذکر همه مستندات قرآنی و روایی معذور بوده‌ایم و به حداقل اکتفا کرده‌ایم.

الف - اهمیت و جایگاه خانواده

خانواده نهادی است که برپایه‌ی ازدواج مرد و زن شکل می‌گیرد و با تولید مثل توسعه می‌یابد. این واحد کوچک اجتماعی اساس سازندگی شخصیت انسان و مهم‌ترین عامل تکامل و سلامت جامعه است؛ و از این‌رو اسلام برای تأسیس و تحکیم این کانون سرنوشت‌ساز و پیشگیری از فروپاشی آن رهنمودهای بسیار مهمی ارائه کرده است. نهاد خانواده از منظر اسلام دارای جایگاه و قداست ویژه‌ای است که قابل مقایسه با هیچ نهاد دیگری نیست. چون صلا و فساد آن تاثیر مستقیم در صلاح و فساد جامعه دارد و شالوده زیست اجتماعی محسوب می‌شود. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که می‌فرماید: «ما بنی بناء فی الاسلام احب الی الله تعالی من التزویج» در اسلام بنیادی بنا نهاده نشده است که در نزد خدا از ازدواج (تشکیل خانواده) محبوب‌تر باشد. (صدرالسادات دزفولی، ۱۳۶۹، ص ۳۹۳) چون قرآن تشکیل خانواده را عامل مهرورزی و آرامش و سکون دانسته است. (روم/۲۲۱) از نگاه کسانی که برای خانواده قداست قائل نیستند، هدف اصلی از تشکیل خانواده، بهره‌گیری از تمتعات جنسی است، بلکه در بسیاری از موارد، هدفی جز این وجود ندارد. اما از نگاه قرآن و احادیث اسلامی، و حکیمان و عارفان ربانی، تشکیل خانواده، دارای حکمت‌ها و دلایل متنوع روانی، اخلاقی،

اجتماعی و دینی است، و این حکمت‌ها در واقع، اصول و پایه‌های تأکید اسلام بر تشکیل خانواده و ضرورت تقویت و تحکیم این نهاد شمرده می‌شوند. (کریم‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱ و ۱۲)

در حقیقت هدف از تشکیل خانواده، تنها تمتعات و ارضای غریزه و امیال جنسی نیست، بلکه این اقدام باعث می‌شود که فردی که مجرد است با تشکیل خانواده به آرامش روانی و روحی برسد از فساد اخلاقی در امان باشد. و سلامت اخلاقی فرد و جامعه مخدوش نگردد. استاد حسن‌زاده آملی که یکی از عارفان ربانی معاصر می‌باشد درباره فلسفه ازدواج و تشکیل خانواده می‌فرمایند: «مرد و زن جفت همدیگر، بدانند که نکاح برای انشای صورت انسانی است نه برای اخفای شهوت حیوانی» (همان، ص ۴۱) یعنی هدف ازدواج تولید نسل سالم و صالح می‌باشد. شهید مطهری (ره) که خود از حکیمان متأله می‌باشد. در این باره می‌گوید:

«رابطه جنسی یک امر حیوانی و طبیعی است ... ولی مسأله زوجین و کانون خانوادگی و فلسفه خانوادگی و روح خانوادگی عبادت است. روح مافوق غریزه جنسی است که میان دو نفر پیدا می‌شود یعنی شخصیت یکدیگر را دوست دارند و تا سنین پیری که دیگر مسأله غریزه جنسی به کلی ضعیف یا نابود می‌شود، حلقه خانوادگی و محبت میانشان هست و روز به روز شدیدتر می‌شود.» (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۴۸) حاصل آنکه عشق و محبت که یکی از مایه‌های اصلی در سلامت روان فرد و جامعه می‌باشد با ازدواج و تشکیل خانواده براساس مبانی انسانی و معنوی به دست می‌آید. بنابراین مسلمان موظف است که با ازدواج و بهره‌یابی از لذت‌های آن، تربیت فرزند و تحمل مشکلات آن، فضیلت روحی و معنوی خویش را تحصیل و تکمیل کنند، و در پی ازدواج به آرامش روانی، سازندگی اخلاقی، سازندگی اجتماعی و گسترش آرمان توحید و ارزش‌های انسانی - اسلامی و...

نائل گردد. به همین دلیل قرآن انسان را علاوه بر آنکه مشمول تربیت خویش می‌شمارد مسئول حفاظت و تربیت خانواده‌اش نیز می‌داند (تحریم/ ۶) امام خمینی(ره) که از عارفان و اصل و جامع معقول و منقول بود اولین مدرسه را خانواده دانسته و شروع تربیت را از دامن زنان خانواده می‌داند و بر نقش تربیتی خانواده قبل از مدرسه مخصوصاً برای مادرها تأکید ورزیده می‌فرماید: «خانواده شما باید مدرسه باشد، تعلیم احکام اسلام، تهذیب اخلاق نونهالان، شما باید نونهالان مذهب تحویل معلمان بدهید.» (فراهانی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۴)

در منظر صاحبان شهود و بصیرت، خانواده را باید به‌عنوان یک امت کوچک دانست که لازمه تشکیل امت بزرگ جهانی است و امت‌های کوچک، مثل خانواده مقدمه و زمینه آن می‌باشد. و نمادی از رضوان و بهشت الهی است که در دنیا بر انسان عرضه شده است.

ازدواج

ازدواج و توالد و تناسل در حیات جماد و نبات و حیوان و انسان براساس قوانین تکوین و جهت‌گیری صحیح غرائز صورت می‌گیرد ولی انجام این مسأله حیاتی در انسان باید بر مبنای مقررات الهی و عقلانی جامه عمل بپوشد. انتخاب همسر در فرهنگ پاک اسلام کاری بسیار پسندیده و مستحب و در شرایطی برای بعضی از افراد واجب می‌گردد. خداوند در قرآنش پس از دستور به ازدواج تأمین نیازهای مادی و مخارج آن را تضمین کرده است. (انصاریان، ۱۳۷۹، ص ۳۶-۳۴) ارزش ازدواج و حضور همسر در خانه به اندازه‌ای است که قرآن آن را از عوامل آرامش به شمار آورده است و دو رکعت نماز شخص همسر دار از عبادت شبانه بی‌همسر برتر است و در حدیثی یک رکعت نماز از مرد همسر دار برتر از هفتاد رکعت مرد بی‌همسر، دانسته شده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۵)

در طول تاریخ همواره گروه‌هایی - مثل بعضی صوفیه - بوده و هستند که از معاشرت به‌طور عام و از ازدواج به‌طور خاص پرهیز داشته و عزلت و خلوت را ترجیح داده‌اند تا از برخی گناهان و انحرافات و رذایل اخلاقی در امان مانند اما برخلاف این تفکر ادیان الهی و انبیاء و اولیاء الهی و حکیمان و عارفان ربانی معتقدند که ازدواج و ارتباط سازنده جمعی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای روحی و روانی آدمیان است و انسان به تنهایی توانایی بقا و ادامه حیات ندارد. و از سوی دیگر انسان باید خانواده تشکیل دهد و در اجتماع زندگی کند تا به بسیاری از فضایل و کمالات نایل آید که در انزوای از جامعه حاصل نمی‌شود. مثل عدالت، انصاف، احسان، ایثار، عفت و... (شریفی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶-۱۱۵)

عارفان مسلمان ثقلینی از جمله فرهیختگانی هستند که عملاً به تشکیل خانواده اقدام و به آن سفارش اکید کرده‌اند. درباره عارف عاشق حضرت آیت‌الله شیخ محمدجواد انصاری همدانی گفته‌اند که روش عرفانی او در تربیت شاگردان مبتنی بر دنیاگریزی نبود بلکه شاگردان را توصیه می‌کرد در اجتماع باشند، ازدواج کنند و شغل مناسب داشته باشند و چنانچه وضع مالی خوبی نداشتند می‌گفت به آنها کمک کنند تا بتوانند تشکیل زندگی دهند. ایشان به یکی از شاگردانشان که از ازدواج کراهت داشت و آن را امری دنیوی و مانع سیر و سلوک می‌دانست فرموده بودند: «اگر مردی زن بگیر و در اجتماع باش، کن فی الناس و لا تکن معهم، این هنر است» (هیأت تحریریه شمس الشمس، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵-۱۱۴)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که جامع عرفان و سیاست است می‌فرماید: «فرصت ازدواج و آرام گرفتن در یک مجموعه خانواده یکی از فرصت‌های مهم زندگی است. برای زن و مرد - هر دو - این یک وسیله آرامش و آسایش روحی و وسیله دلگرم شدن به تداوم فعالیت زندگی است، وسیله تسلی، وسیله پیدا کردن یک غمخوار نزدیک که برای انسان در طول زندگی لازم است ... ازدواج یک امر

مبارک و یک پدیده بسیار مفید است ... برکات زیادی بر ازدواج وارد است.»
(حاج علی اکبری، ۱۳۸۹، ص ۱۴)

ب- عوامل سلامت و تحکیم خانواده

۱- دعا و صدقه برای خانواده

نکته قابل تأمل آن است که آرامش و آسایش و سلامت خانواده از نظر اسلام و عرفای مسلمان فقط با هزینه‌های مادی تامین نمی‌شود بلکه باید هزینه‌های معنوی نیز مدنظر قرار گیرد.

حکیم قرآنی و عارف صمدانی و مفسر گرانمایه آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد: «خانواده نخستین کانون رشد و آرامش بشری است که مراقبت از آن مسئولیتی سنگین به‌شمار آمده موجب نجات از رنج و عذاب دنیوی و اخروی خواهد گردید. قرآن و روایات برای خانواده اهمیت ویژه‌ای قائل شده و احکام و آداب فراوانی برای رشد و بالندگی آن مقرر کرده‌اند که افزون بر رعایت آنها برای رفاه و آسایش و رشد و تعالی خانواده باید از خدای سبحان نیز نجات و آسایش خانواده را خواست.» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۵) سپس به آیات و روایاتی اشاره می‌کند که براساس آن برای خانواده دعا شده و صدقه پرداخت می‌شده است. از آیت‌الله بهجت سؤال می‌شود که اگر بین زن و شوهری اختلاف باشد، برای رفع اختلاف چه باید بکنند. آیت‌الله بهجت می‌فرماید: «هر کدامشان که می‌خواهد رفع اختلاف شود یا فرد دیگر، صدقه‌ی متعدد به افراد متعدد، به دفعات زیاد بدهند و برای اصلاح ذات البین، زیاد هم دعا کنند.» (اسلام، جو، ۱۳۸۷، ص ۹۲)

۲- احقاق حق خانواده

در روابط انسانی هم حقوق و هم تکالیف متقابل وجود دارد همه اعضای خانواده نسبت به یکدیگر چنین تعاملی باید داشته باشند. اما پدر و سرپرست خانواده مسئولیت بیشتری برعهده دارد که غفلت از آن باعث خسران و ضرر حیثیتی و اخلاقی خواهد شد و سلامت درونی و برونی خانواده زیر سؤال خواهد رفت. درباره امام خمینی(ره) نقل شده است که ایشان اگرچه مشغول بحث و تدریس فقهی بودند ولی خود را غافل از حال فرزندان نمی‌دانستند و حقوق خانواده و وظیفه تربیت فرزندان را فراموش نمی‌کردند و در جهت تحقق این امر، روزانه وقت مشخصی را برای سرگرم کردن فرزندان و حتی بازی با آنها اختصاص داده بودند. ولی در همین بازی و سرگرمی نقش تربیتی فراموش نمی‌شد. (سبحانی‌نیا و عسکری، ۱۳۸۸، ص ۱۶۶) درسی که می‌توان از این عمل گرفت آن است که یکی از حقوق اعضای خانواده مخصوصاً کودکان تفریح و سرگرمی سالم و مشروع می‌باشد که آثار مبارک جسمی و روحی دارد و سلامت همه‌جانبه و بالندگی و شادابی در پی می‌آورد.

۳- نعمت دانستن همسر

نعمت‌های خداوند انواع و اقسام مادی و غیرمادی هستند با توجه به نقش همسر در آرامش روانی و سلامت جسمی و معنوی انسان و جامعه، همسر برای مرد و زن از نعمت‌های عظمای الهی است، از مرحوم ملاحسین قلی همدانی (ره) که استاد بزرگ علما و عرفای زمانه بوده‌اند نقل شده است که فرمود: «در تلاش باش که هر روز پیرامون چند موضوع فکر کنی، از جمله این که ببینی خدای متعال به تو چه داده است، یکی از این نعمت‌های خوب خدای متعال، همسر است که این نعمت بسیار خوبی است.» (بی‌نام، ۱۳۸۶، ص ۱۱)

نکته مهم قابل استفاده از این نقل آن است که وظیفه انسان در قبال نعمت‌های خداوند، شکرگزاری و حفظ نعمت است. از سوی دیگر کار این نعمت رفع نیاز انسان است تا بدین‌وسیله انسان دچار دغدغه و پریشانی نگردد بلکه با تأمین نیازهای طبیعی و ضروری آرامش و سلامت خود را حفظ کند.

۴- بهره‌مندی از اخلاق فضیلت

سلامت و بقای خانواده فقط نیازمند مسکن و لباس و غذا نمی‌باشد بلکه نیازمند محبت و صلح و صفا و فضائل اخلاقی نیز هست و علاوه بر رونق اولیه و نسبی وفاق و همدلی و صمیمیت است که خانه را نورانی و بهشتی می‌کند. آیت‌الله بهجت در خصوص اینکه چه کار کنیم که محیط خانواده گرم و باصفا باشد می‌فرماید: «هماهنگی و موافقت اخلاقی بین زن و مرد در محیط خانواده از هر لحاظ و به صورت صددرصد برای غیر انبیاء و اولیا (ع) غیرممکن است. اگر بخواهیم محیط خانواده، گرم و با صفا و صمیمی باشد، فقط باید صبر و استقامت و گذشت و چشم‌پوشی و رأفت را پیشه‌ی خود کنیم تا محیط خانواده گرم و نورانی باشد.» (اسلام‌جو، ۱۳۸۷، ص ۹۲) این عارف ربانی می‌فهماند که انسان‌های عادی در زندگی خانوادگی کم و بیش دچار چالش و تنش می‌گردند اما برای حفظ بنیان خانواده و جلوگیری از فروپاشیدگی آنکه آثار ناگوار زیادی به دنبال خواهد داشت، پیشه کردن فضائل اخلاقی و استفاده از شیوه‌های اخلاقی مخصوصاً ایثار و مهرورزی تأکید می‌ورزند، همان عناصر اخلاقی که گمشده بشریت دورمانده از خدا و غوطه‌ور در مادیات، می‌باشد. به قول شاعر:

در خانه ما رونق اگر نیست صفا هست

هرجا که صفا هست در آن نور خدا هست

۵- نیاززدن خانواده

رعایت حال اعضای خانواده و سایر مردم و عدم آزار و اذیت آنها از وظایف اولیه هر مسلمانی است اما مومنین خواص و عارفان واصل نه تنها اهل خشونت و تندخویی نیستند بلکه در مواقع و مسائلی که شاید خلاف هم محسوب نشود خود را به زحمت می‌اندازند تا مبدا باعث رنجش و سلب آسایش خانواده گردند. نقل شده است که:

حضرت آیت‌الله میرزا جواد آقاتهرانی در یکی از شب‌ها دیر وقت به منزل می‌آیند به در منزل که می‌رسند، متوجه می‌شوند کلید منزل همراهشان نیست، به خاطر رعایت حال خانواده‌شان که در خواب هستند از در زدن خودداری می‌فرمایند و با توجه به اینکه هوا هم قدری سرد بوده است در کوچه می‌مانند و تا اذان صبح همان جا قدم می‌زنند، هنگام اذان که اهل خانه می‌باید برای نماز صبح بیدار شوند آقا در می‌زنند و وارد خانه می‌شوند، یکی از فرزندان ایشان که از قضیه خبردار می‌شوند سؤال می‌کند چرا زنگ نزدیدی؟ ایشان می‌فرمایند «شما خواب بودید، زنگ زدن من موجب اذیت و آزار شما می‌شد» (کریم‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۴۴) نقل دیگری هم از فرزند ایشان شنیده شده است که گویا همسر مرحوم میرزا جواد آقاتهرانی در رویا می‌بینند که مرحوم آقا پشت در منزل نشسته‌اند، لذا بیدار شده و هنگامی که در را باز می‌کنند، می‌بینند که مرحوم آقا آنجا منتظرند. (عطائی، ۱۳۷۵، ص ۱۱)

۶- مشارکت و همکاری در خانواده

از دیگر عوامل حفظ و تقویت اساس خانواده و ارتقای صلاح و صفا و سلامت آن، عدم تحکم و روحیه دیکتاری و استبدادی در اعضای خانواده مخصوصاً مرد و سرپرست خانواده است. خودخواهی و خودشیفتگی و تکبر و به‌طور کلی دیگران

را خادم و برده دانستن دیگران موجب عسر و حرج و سلب انس و الفت اعضای خانواده می‌گردد.

همسر آیت‌الله میرزا جواد آقا تهرانی از سادات علویه بود علاوه بر احترام زیادی که آقا برای ایشان قائل بودند، هر وقت هم که فرصت یاری می‌نمود در خانه یار و کمک ایشان بودند. اساساً ایشان به کسی زحمت نمی‌داد، مخصوصاً در امور شخصی خویش تا آنجایی که می‌توانستند و قدرت و توان داشتند، خودشان انجام می‌دادند، و از همسر خود نمی‌خواستند که مثلاً لباسهایشان را بشویند، بلکه این همسرشان بود که با توجه به اخلاق مرحوم آقا از ایشان می‌خواستند که لباسهایشان را برای شستن در اختیار ایشان بگذارند. باز هم به سادگی حاضر نمی‌شدند، گاهی نیز دیده می‌شد که جارو به دست گرفته و حیاط را جاروب می‌زنند و این در حالی بود که راه رفتن با عصا برایشان مشکل بود. (عطائی، ۱۳۷۵، ص ۱۳)

همسر مرحوم شیخ ابراهیم اطمیناری در رابطه با اخلاق ایشان در خانه این گونه می‌گوید: «در منزل رسمشان بر این بود که کارهای منزل باید تقسیم شود و خود بعضی از کارها را شخصاً به‌عهده داشتند و در هر حال و ساعت از انجام آن کوتاهی نمی‌کردند. به‌عنوان مثال هر زمان که مهمان داشتیم از یک نفر تا صد نفر بعد از مهمانی، شستن ظرف‌ها و مرتب و تمیز نمودن آنها را خود عهده‌دار می‌شدند و می‌فرمودند کارهای اصلی را شما انجام دادید، بقیه‌ی کارها با من است. ایشان آنقدر مرتب و تمیز کار انجام می‌دادند که جای هیچ گله‌ای باقی نمی‌ماند. مشارکت ایشان در منزل به حدی بود که هر زمان خانواده‌ی ایشان به مسافرت می‌رفتند، بچه‌ها در منزل هرگز احساس کمبود نمی‌کردند. خود غذا می‌پختند، نظافت و بیشتر امور خانه‌داری را متقبل می‌شدند.» (کریم‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۴۰)

۶- قدردانی از همسر (زن)

اصل «شکر منعم واجب است» از ضرورت‌های عقلی و شرعی است و نشانه سلامت عقل و دل می‌باشد. (محفوظی، ۱۳۸۸، ص ۳۷۱ و شریعت‌زاده خراسانی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۱) و باعث توسعه نعمت و تقویت محبت و استمرار معاشرت سالم و رفع خشونت و تنش اجتماعی و ایجاد وفاق و تفاهم خانوادگی و اجتماعی می‌گردد. تشکر و قدردانی همچون داروی نافع است که بیماری‌های اخلاقی و روحی بسیاری را درمان و معالجه می‌کند و در میان خانواده و همسران یکی از عوامل مهم صمیمیت خانوادگی می‌باشد.

استاد حاج آقا پهلوانی درباره احترام و قدردانی از زحمات همسر می‌فرمود: «از آن‌ها تشکر کنید، هرچند غذایی که پخته‌اند شور یا بد شده است. وقتی از غذا ابراز رضایت می‌کنید همسران خوشحال می‌شود و این باعث رشد و پیشرفت معنوی شما می‌شود. پس از این نکته می‌فرمود: یک‌بار من در ایام جوانی در خانه با خانواده بد اخلاقی کردم، در عالم معنا به من گفتند: بیست سال ناله‌های تو بی‌اثر شد.» مکرر در جلسات می‌فرمود: «در مسائل مختلف معنوی و اجتماعی به خودتان سخت‌گیری کنید، ولی به خانواده‌ی خود کاری نداشته باشید و عقاید خود را به همسران تحمیل نکنید. مثلاً اگر خواستند تلویزیون ببینند مانع نشوید ولی اگر خودتان تشخیص دادید نگاه نکنید». (نورمحمدی، ۱۳۸۵، ص ۶۳) این گونه مطالب که بسیار مشاهده می‌شود پاسخی است به فمینیست‌ها که مدعی‌اند اسلام و مسلمانان حقوق زنان را مراعات نمی‌کنند.

۷- احترام به همسر

از جمله نیازهای روحی و روانی هر انسانی حرمت‌گزاری و حفظ کرامت و عزت اوست و چنانچه این نیاز اکتفا نشود آثار منفی روانی به دنبال دارد اما احترام

متقابل زندگی را زیبا و دوست‌داشتنی می‌کند. (سید علوی، ۱۳۶۶، ص ۶۹) این نکته در سیره عرفای ثقلینی مورد توجه بوده است.

سید عبدالامیر حداد فرزند مرحوم سیدهاشم حداد از عرفای معروف ایران می‌گوید: روزی یک بنده‌ی خدایی آمد و بین علما نشست. گفت آقا ذکر، دستوری به من بده، والد این طور بود که اگر کسی می‌آمد باطنش را می‌خواند که چگونه است، ظرفیتش چقدر است، ظاهراً آن شخص با خانمش بی‌احترامی و بدخلقی می‌کرد. والد خیلی ناراحت شد و گفت: «برو. آمدی اینجا می‌خواهی ذکر و دستور بگیری؟ چه فایده، برو پیش همسرت و به او احترام کن، رعایت او را بکن، این دست ما امانت است، خیانت و اذیت نکنی، مثلاً ظهر رفتی دیدی غذا تمام شده، حق نداری عصبانی شوی، حق نداری مثلاً بگویی برای من آب بیاور، اصلاً و ابداً. شما برو این را درست کن.» (کریم‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۴۰) روزی آقای شیخ محمدتقی گریوانی خدمت آیت‌الله اژه‌ای رسیده بودند، حاج آقا به ایشان فرموده بودند: سلام ما را به رفیق برسان (که منظورشان بنده بودم) و بگو این طرز رفتار با خانمت نیست. حکایت از این قرار بود که در آن ایام من در خانه با خانم بداخلاقی کرده بودم و حاج آقا از این واقعه مطلع بودند و برای نصیحت ما برایمان پیغام فرستاده بودند. (نورمحمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷)

نکته مورد استفاده این است که هتک حرمت، بداخلاقی و بی‌احترامی، کرامت و احساس شخصیت و قوام آن را از انسان سلب می‌کند و این موضوع آثار تربیتی و اخلاقی سوئی دارد. مثلاً چنانچه خانم خانواده‌ای دچار چنین آسیبی شود نقش سازنده خود را به‌عنوان مربی و محور آرامش و محبت در خانه از دست می‌دهد و اعضای خانواده دچار آسیب روانی و اخلاقی خواهند شد و سلامت زیستی در منزل دچار خسران می‌شود.

او (مرحوم کربلایی احمد میرزا حسینعلی تهرانی) می گفت واقعاً زن چراغ خانه است، من روزی فرزندم مریض شد، او را به بیمارستان بردم و مادرش از او مراقبت می کرد. شب وقتی تنها به خانه برگشتم، خانه را تاریک دیدم، اگر چه چراغ را روشن کرده بودم و روشنائی ظاهری خانه مثل شب های پیش بود، ولی تاریکی خاصی را دیدم که بر منزل احاطه کرده است. (احمدی جلفایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸)

۸- علم آموزی به همسر (زن)

علم نور است و عالم بودن زن و مرد به معنای واقعی حیات را نورانی کرده و روشنائی می بخشد و قوام و دوام زندگی خانوادگی را تضمین می کند. البته نباید فراموش کرد که علم صرفاً به معنای سواد نیست علمی ارزشمند است که ایمان و عمل صالح تولید کند. ایشان فرمودند ما دلیلی نداریم که زن را از آموختن علم محروم کنیم، مضافاً به اینکه «طلب العلم فریضة لكل مسلم و مسلمة». اگر علم آموختن توسط محارم باشد اولی است. مهم آن است که مراعات واجبات را بکنند.... سپس فرمودند علم حیات است، مگر می شود زن را از حیات محروم کرد. آنگاه از برخی زن ها و دختران علما که به بعضی مقامات رسیده اند نام بردند و از آخوند ملاعلی همدانی نقل کردند که دخترانشان را به شرط بردن به نجف برای اینکه بتوانند تحصیل علم کنند، شوهر می داد. (آیت الله بهجت، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳)

نکته جالب توجه تشبیه علم به حیات است، علم و معرفت و مهارت های دینی، اخلاقی، بهداشتی و به طور کلی علم زندگی و انسان پروری مایه حیات و بقای آن در حوزه های فردی و اجتماعی است، علم با اقسام و مراتب خویش مخصوصاً علم همراه با اخلاق نه تنها حیات عادی و طبیعی انسان را استمرار می بخشد بلکه حیات و زندگی را کمال و قداست بخشیده و آن را طیب و طاهر می گرداند.

۹- حضور در خانه

به رغم آنکه خانه حصار و قلعه‌ای حصین در برابر بسیاری از آسیب‌ها و تهدیدات می‌باشد اما با توجه به امواج صوتی و تصویری بی‌حصر و حدی که درب و دیوار مانع آن نمی‌شود ضرورت دارد والدین برای محافظت فرزندان با حضور خود بر امنیت خانواده بیافزایند.

یکی از بزرگان نقل می‌کند سعی داشتم که تا حد امکان در نماز آیت الله بهجت شرکت کنم. در آن ایام منزل ما در محله‌ی یزدان شهر قم بود و در اطراف آن هنوز به صورت کامل خانه‌سازی صورت نگرفته بود و محله خلوتی بود. بنده روزها که در درس ایشان شرکت می‌کردم و نماز مغرب و عشا را نیز به امامت ایشان می‌خواندم، سپس به منزل می‌رفتم. شبی از شب‌ها که ایشان از مسجد خارج می‌شدند و بنده هم ایشان را مشایعت می‌کردم در همان حال فرمودند: شما منزلتان کجاست؟ عرض کردم فلان منطقه. سپس آقا تأملی کردند و بعد فرمودند: شما زود به خانه بروید، لازم نیست شب‌ها به نماز بیایید. چون همه‌ی صحبت‌های آن بزرگوار، حکیمانه و بجا بود احساس کردم که باید خیلی سریع به خانه بروم. فوراً به منزل رفتم. چون به منزل رسیدم و در را باز کردم، دیدم همسرم بچه‌اش را در بغل گرفته و در دالان منزل نشسته و خیلی ترسیده است. پرسیدم چرا ترسیدی؟ گفت عقبی در خانه دیدم و وحشت‌زده شدم. از آن شب به بعد تا مدت‌ها برای دیگر شب‌ها به نماز آیت‌الله بهجت نمی‌رفتم و برای رعایت حال خانواده در منزل می‌ماندم. (کریم‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۲۸) عارف واصل آیت‌الله انصاری همدانی گاهی بعضی از دوستان و شاگردان ایشان که می‌آمدند و منزل آقا می‌ماندند، را مورد خطاب می‌دادند که بروید به خانه و زندگی‌هایتان برسید، مگر زن و بچه ندارید؟!» (هیأت تحریری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵)

شاهد مثال در این مطلب آن است که خانواده محصوصاً در این دوران مورد تهاجم انواع و اقسام تهدیدهای پیدا و پنهان رسانه‌ای و غیر رسانه‌ایست و انسان‌های مارصفت در تشکیلات سازمان یافته با تکنولوژی‌های هولناک با لطایف‌الحیل سعی دارند تا ارزش‌ها و باورهای دینی و اخلاقی و انسانی ما را مخصوصاً در خانواده‌ها ببلعند لذا ضرورت دارد افراد مؤثر خانواده بالاخص پدرها و مادرها حضور و نظارت هوشمندانه و مدبرانه بیشتری در خانواده داشته باشند و سلامت و بقای آن را حفظ کنند.

ج- مسئولیت اخلاقی در قبال فرزندان

از دیدگاه اسلام فرزندان امانت الهی و نعمت و نشانه‌های خداوند هستند و والدین درباره سلامت رشد، تعلیم و تربیت آنها مسئول‌اند و حقوق فراوانی برعهده والدین دارند که در روایات معصومین (ع) آمده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۱) عارفان ثقلینی که بیش از افراد عادی آگاه و مقید به تعالیم اسلامی می‌باشد، توصیه‌های اسلام نسبت به فرزندان را سرلوحه زیست خانوادگی خود قرار داده و به آن عمل می‌کردند و نیز سفارشات لازم را به مردم گوشزد کرده‌اند. موضوعات مربوط به فرزندان در اسلام و عرفان بیش از آن است که در اینجا ذکر شود از باب نمونه، مواردی از سیره عرفای معاصر، عرض می‌شود.

۱- محبت یکسان به فرزندان

مهرورزی با فرزندان و دوست داشتن آنها از محک‌ات و تصریحات همه ادیان ابراهیمی است. و اسلام در احکام و آداب تربیتی بسیار بر آن تاکید کرده است. به همین دلیل عارفان مسلمان که خود نماد و سنبل عشق و محبت می‌باشند و عشق به همه مخلوقات جهان مرام آنهاست، به این اصل توجه ویژه دارند، اما

مهم‌تر از آن عدالت در مهرورزی و عدم تبعیض بین فرزندان است که از توصیه‌های اکید می‌باشد. از پیامبر(ص) نقل شده است که فرمود: «در میان فرزندان خود عدالت را مراعات کنید...» (همان، ۲۵۱) چون مراعات این نکته باعث سلامت روحی، اخلاقی و رفتاری فرزندان می‌شود. و تبعیض و بی‌عدالتی اختلاف و پریشانی به دنبال دارد.

یکی از روحانیونی که به درس آیت‌الله بهجت حاضر می‌شدند، تعریف می‌کنند: یک شب دختر کوچک‌ترم را نوازش کردم و بوسیدم و دختر بزرگم که خواب بود را نبوسیدم. در همان حال لحظه‌ای در دلم خطور کرد که مبدا بیدار باشد و به خاطر اینکه او را نوازش نکرده‌ام، ناراحت شود. ولی باز اعتنایی نکردم. صبح اول وقت که خدمت آقا رسیدم، دقیقاً بعد از سلام خطاب به بنده گفتند: انشاءالله تسویه‌ی بین فرزندان را که رعایت می‌کنید. (بهجت، ۱۳۷۸، ص ۲۰۸) ولی با عنایت به عاطفی‌تر بودن دختران و حساس‌تر و ظریف‌تر بودن روح آنان، اسلام به رغم دستور تساوی و عدالت بین فرزندان، دختران را در هدیه دادن و محبت کردن در اولویت قرار داده است تا از طریق عملی شدن این نکته ظریف و دقیق در حد اعتدال نیاز روحی دختران تامین گردد. عارفان مسلمان به این ظرافت پایبند بودند. دختر آیت‌الله الهی می‌گوید: آقا واقعاً نمونه‌ی یک انسان کامل بودند، همه‌ی فرزندان را دوست داشتند ولی به دختران محبت و احترام خاصی داشتند و از آن‌ها حمایت می‌کردند. بهترین پدر بود، یک‌بار با ما دعوا نکرد، اصلاً از این رفتارها نداشتیم. همه با هم دوست بودیم. (کریم‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲ و ۱۰۳) نکته قابل تأمل در این مطلب آن است که اسلام می‌خواهد با اولویت دادن به دختران، با سنت جاهلی توجه بیشتر به پسران و بی‌توجهی به زنان مقابله کند.

۲- تعلیم فرائض و واجبات

در تعلیم فرزندان چند موضوع مورد توجه اسلام است: معارف دینی، ادب و مهارت‌های اجتماعی، ادب و مهارت‌های دفاعی (ورزشی) (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۶) این مطلب نشان می‌دهد که اسلام هم به تربیت بعد فکری (بینش) و هم بعد صفاتی (منش) و هم بعد رفتاری (کنش) و به‌طور کلی سلامت روحی و سلامت جسمی توجه داشته است. اما با عنایت به هدایت‌گری بعد اعتقادی و ایمانی عارفان ثقلینی، تعلیم و تربیت دینی را تأکید بیشتری کرده‌اند.

آقای احمد انصاری فرزند آیت‌الله انصاری در باب تأکید ایشان به فرا گرفتن فرائض چنین می‌گوید: «تمام فرائض مذهبی را خودشان به ما تعلیم می‌دادند و حتی احکام سنین بلوغ را، خودشان حمد و سوره‌ی ما را تصحیح می‌کردند. به من می‌گفتند: نماز اول وقت را از دست نده، گفتم چرا؟ می‌گفتند هم اسقاط تکلیفه هم فضیلت دارد، البته تو برای فضیلت نخوان، قصد تو قرب باشد.» (همان، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸) درس اخلاقی این خاطره آن است که نیت و حسن فاعلی در عبادات و تأثیر آن مهم است و انجام وظایف مذهبی با رعایت آداب و شرایط فعلی و فاعلی آن سلامت درونی و رفتاری به دنبال دارد. تحقیقات علمی نشان داده است که نماز در کاهش استرس‌ها و افسردگی‌ها و ایجاد نشاط معنوی تأثیر دارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۸۶) لذا ضرورت دارد والدین نظراً و عملاً واجبات و در رأس آن نماز آموزش داده و نهادینه کنند و دعا کنند: «رب اجعلنی مقیم الصلوه و من ذریتی.» (ابراهیم / ۴۰)

گرامی داشتن فرزندان

کرامت و بزرگواری از عوامل مهم سلامت رفتاری است از این‌رو در کنار مهرورزی به فرزند باید روح بزرگواری را در او دمید. رسول اکرم (ص) فرمود:

«فرزندان خود را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید که موجب مغفرت شماست.» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۲ و جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۹)

فرزند آیت الله شاه آبادی درباره‌ی شیوه‌ی تربیتی ایشان چنین می‌گوید: به‌طور کلی روش ایشان در خانواده، روش عدالت و روش یک انسان والا بود. یکی دیگر از نکاتی که ایشان در تربیت فرزندان داشتند این بود که هیچ وقت بچه‌هایشان را کوچک بودند کوچک نمی‌شمردند. وقتی بچه‌ها را صدا می‌کردند نمی‌گفتند تو بلکه از لفظ شما استفاده می‌کردند و با عنوان آقا و خانم صدا می‌کردند. (تحریریه شمس الشموس، ۱۳۸۳، ص ۹۳)

چنین تعاملی با فرزندان باعث شخصیت دادن به آنها می‌شود. وقتی انسان خود و شخصیت واقعی خویش را دریابد و به کرامت و شرافت خود واقف شود، همین احساس بزرگواری سرچشمه کمالات اخلاقی و تمایلات عالی می‌شود و مرتکب ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی نمی‌شود. (سادات، ۱۳۶۵، ص ۱۱۹)

۴- اطمینان بخشی والدین به فرزندان

اعتمادسازی و حامی بودن والدین برای فرزندان باعث امنیت روحی و روانی آنان می‌شود و آنها درون‌گرا بار می‌آورد و از دستخوش خطراتی که در کمین آنهاست با روی آوردن به والدین و احساس پشتیبانی از آنان، در امان خواهند ماند. استاد مصباح بیان کردند: آقای بهجت می‌فرمودند: من روزی داخل اتاق نشسته بودم و سر و صدای بیرون منزل را می‌شنیدم. بچه‌ی همسایه دم در بازی می‌کرد. فقیری آمد و گفت برو از خانه‌تان چیزی برای من بیاور. آن بچه رو به فقیر کرد و گفت خب برو از مامانت بگیر. فقیر جواب داد: من مامان ندارم، تو برو از مامانت بگیر و بیاور. آقای بهجت فرمودند: من از این گفت‌وگوی بچه با فقیر یک نکته دستگیرم شد، باخود گفتم این بچه آن قدر به مادرش اطمینان دارد

که فکر می‌کند هر چه بخواهد می‌تواند از او بگیرد و افزودند اگر ما به اندازه‌ای که این بچه با مادرش اطمینان دارد، به خداوند اطمینان داشتیم و می‌دانستیم که هر چه از او بخواهیم می‌دهد، هیچ مشکلی نداشتیم و همه‌ی کارهایمان درست می‌شد. (بهجت، ۱۳۷۸، ص ۱۶۲) صفا و صداقت کودک از یک طرف و علاقه و وابستگی او به والدین مخصوصاً مادر از سوی دیگر ظرفیتی است که می‌توان از آن جهت اهداف نیک تربیتی و رشد و سلامت او استفاده کرد.

د- تکلیف اخلاقی نسبت به والدین

پدر و مادر اصل و ریشه آدمی هستند و همه وجود انسان از برکت وجود آنهاست لذا والدین محور اصلی خانواده محسوب می‌شوند و احسان به آنها در کنار بندگی خدا ذکر شده است. حق شناسی و احسان و محبت به پدر و مادر موجب گرمی و شادابی خانواده بوده و مؤثر در تربیت فرزندان سالم و صالح و مفید دارد. (بیگی، ۱۳۸۹، ص ۳۹۹) از منظر اخلاق دینی نیکی به پدر و مادر از راه‌های مهم رشد و تعالی در همه زمینه‌ها و تقرب به خدای سبحان است. بنابراین بدون عمل به وظایف در قبال آنان افراد و جامعه نمی‌تواند به تعادل و آرامش و سلامت و کمال مطلوب برسد. انسان در قبال والدین وظایف واجب و مستحب بسیاری دارد که حداقل آن احسان و خدمت و محبت است. و بهترین راه ابراز محبت به پدر و مادر، نرم‌گویی و خوش‌زبانی با آنهاست. پیشوایان معصوم(ع) که بزرگترین مربیان بشری هستند، تندی به پدر و مادر را نهی کرده‌اند و حتی صدای فرزند نباید بلندتر از صدای آنان باشد، چه رسد به اینکه خدای ناکرده با آنان به زشتی سخن بگوید، که سخن زشت و ناروا گفتن به والدین، از گناهان کبیره است. امام صادق(ع) می‌فرمایند حتی هنگامی که پدر و مادر شما را می‌زنند، شما از درگاه خدا برای آن دو طلب غفران و بخشش کنید. (اسحاقی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷)

خدمت و نیکی به والدین آثار فراوان دنیوی و اخروی و مادی و معنوی دارد که برخی از آنها رضایت الهی، نزول رحمت آسمانی، بهره‌مندی از بهشت و بهره‌مندی از دعای خیر آنها و آرامش وجدان و... می‌باشد.

۱- اولویت حق مادر

به استناد احادیث معصومین(ع)، حق مادر به دلیل عظمت رنجی که برای فرزند تحمل کرده و ارزش عاطفه‌اش به قدری گسترده و مهم است که حتی از حق پدر برتر است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۴) آیت‌الله کوهستانی سفارش اسلام را در زندگی‌اش به‌خوبی عمل نمود. وی نهایت احترام و ادب را درباره‌ی مادر مراعات می‌کرد و از هرگونه حرکتی که موجب آزرده شدن خاطر مادر می‌گشت، پرهیز می‌نمود و مثل عبد در مقابل مولا از مادر اطاعت می‌کرد. حاج اسماعیل دولابی می‌فرماید: پدر و مادر را از خود خشنود کنید، مادرتان را ببوسید، به پای او بوسه بزنید، وقتی دل آنها از شما راضی و شاد شود، از ته دل دعایتان می‌کنند و این در سیر شما بسیار مؤثر است. (کریم‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷) احمد انصاری پسر بزرگ آیت‌الله انصاری همدانی پیرامون احترام و ادب ایشان در برابر مادرشان چنین می‌گوید: پدرم با مادرشان خیلی مهربان بودند و با احترام برخورد می‌کردند. مادرشان هم خیلی از آقا راضی بودند. خانم فاطمه انصاری می‌گوید: به مادرشان خیلی احترام می‌کرد، دستشان را می‌بوسید و به مادرشان می‌گفتند: از من راضی باشید. (همان، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸) درس مهم از مطالب فوق، مؤثر بودن احسان و محبت به مادر در سیر و سلوک عرفانی و رشد و ترقی انسانی است. در دنیایی که عاطفه‌ها کم‌رنگ گشته و ارتباط والدین و فرزندان سست و گسسته شده و والدین در خانه‌های سالمندان رها می‌شوند، چنین رفتارها و سفارشات کی‌می‌هستند و

بهترین شیوه‌ها و الگوهای درمانی و بهسازی زندگی خانوادگی و روابط اجتماعی برای از بین بردن جدایی‌ها، پریشانی‌ها، دغدغه‌ها و خشونت‌های مربوطه می‌باشد.

۲- احقاق حق پدر

اسلام معتقد است که پدر ریشه و فرزند شاخه اوست لذا آگاهی از حق پدر و منزلت وی گام نخست در احسان به اوست. رسول خدا (ص) فرمود: «رضایت پروردگار در رضایت پدر و خشم پروردگار نیز در خشم پدر است.» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۶)

آیت‌الله خزعلی با واسطه نقل می‌کند که: جوانی به حرم امام حسین (ع) وارد شد، سلام به امام داد و جواب شنید. از او سؤال کردند که چه کار کرده‌ای که به این مقام رسیده‌ای؟ جواب داد من هرشب جمعه به زیارت حضرت می‌آیم و هر بار پدر یا مادرم را به حرم می‌آورم، یک‌بار هر دو را آوردم. در بین راه پدرم به زمین خورد و از راه رفتن عاجز شد ولی باز از من خواست که او را به حرم ببرم. من او را روی دوش خودم قرار داده و به حرم بردم. لذا حضرت جواب من را دادند و مرا تحسین کردند.» (کریم‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰-۱۲۹)

مسلم است که آثار و برکات نیکی و خدمت به پدر و مادر صرفاً به امور مادی و دنیوی محدود نمی‌شود بلکه شامل نتایج معنوی و اخروی نیز می‌گردد و در روایات آمده است که عمر و روزی مادی و معنوی را زیاد می‌کند. ناگفته نماند که خدمت و احسان به پدر و مادر فقط مربوط به دوران حیات آنها نیست بلکه پس از مرگ آنها را نیز دربر می‌گیرد که فرزندان در پس از مرگ والدین باید برای آنها دعا و طلب مغفرت کرده و صدقه دهند. اینها باعث گسترش خیر و برکت و صفا و سلامت مادی و معنوی در زندگی انسان می‌گردد. در آموزه‌های اسلامی آمده است: «کسی که تأخیر اجل و سلامت در بدن را دوست دارد صله

رحم کند» (محموطی، ۱۳۸۸، ص ۴۱۷) بدیهی است از اولویت‌ها و مصادیق اصلی صله رحم، احترام و احسان به والدین می‌باشد.

هـ- عفت و حجاب عامل بهداشت روانی خانواده

عفت به مفهوم خودداری از انجام قبیح و ناپسند است که از غلبه و حاکمیت شهوات بر انسان جلوگیری می‌کند و دارای انواع عفت شکم و عفت دامن (جنسی) می‌شود، حقیقت عفت حاکمیت عقل و شرع در برخورداری از غرائز و شهوات است. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۰) اسلام برای اعتدال و کنترل قوای شهوانی برای تأمین بهداشت روانی قوانین کنترل‌کننده‌ای وضع کرده است تا از این نعمت الهی برای تأمین نیازهای عاطفی و روانی از جمله تولید و بقای نسل سالم و صالح استفاده صحیح صورت گیرد و از عوارض سوء جسمانی و روانی افراط و تفریط آن پیشگیری نماید. یکی از راهکارهای اسلام در این خصوص حفظ پوشش و حجاب بالاخص برای زنان می‌باشد. از آیات قرآن برمی‌آید که حجاب در زندگی انسان سه ره آورد مهم دارد: ۱- پاک‌کننده و رشدآور است ۲- نشانه افراد با عفاف است ۳- مصونیت اجتماعی و بهداشت روانی را تأمین می‌کند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱)

شهید مطهری (ره) که علاوه بر برخورداری از شهود عرفانی از شهود شهادت نیز بهره‌مند شد درباره فلسفه حجاب و آثار آن می‌فرماید: «اولاً: به بهداشت روانی زنان و مردان کمک می‌کند ثانیاً: روابط خانوادگی را استوار و از فروپاشی نظام خانواده جلوگیری می‌کند. ثالثاً: شخصیت و کرامت زن را تأمین می‌کند. رابعاً: حریم اجتماعی را از بی‌عفتی و آلودگی‌های جنسی نگه می‌دارد.» (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۸۴-۹۵) با عنایت به آنچه که شهید مطهری (ره) به استناد قرآن و سنت و عترت فرموده است، عارفان مسلمان از جمله معاصرین در زندگی شخصی و

خانوادگی خود سخت به آن پابند بوده و سایرین را نیز به عفت و حجاب توصیه کرده‌اند. آیت‌الله بهجت می‌فرماید: بی‌اعتنایی به حجاب گناه است و داشتن حجاب واجب است (اسلامجو: ۱۳۸۷، ص ۱۶۳) آیت‌الله کوهستانی درباره‌ی حجاب فرزندان و نوادگان خود توجه ویژه‌ای داشت، حتی در مورد نوع بستن روسری بانوان منزل اعمال نظر می‌کردند، تا طوری آن را بر سر کنند، که حدود الهی حفظ گردد. (کریم‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴) دختر امام خمینی (ره) در خاطره‌ای از پدرشان گفته‌اند: «روز عید بود و منزل امام بودیم. یکی از بستگان ما یک لباسی پوشیده بود، با اینکه ظاهرش مشکمی بود، اما به نظرش آمده بود که این لباس مجلسی است. آقا گفتند این لباس مناسب نیست، نپوشید، گفت: آقا اینکه مشکمی است. گفتند: بله، اما در شأن شما نیست.» (سبزیان، ۱۳۹۱: ۶۹)

نکات، دقایق و ظرایف اخلاقی - زیستی خانوادگی در زندگی و گفتار و خاطرات عارفان ثقلینی معاصر بیش از آن چیزی است که در این نوشتار ذکر شد که با عنایت به محدودیت، نمی‌توان به همه آنها پرداخت. بلکه از باب نمونه به حداقل اکتفا شد. و به قطراتی از دریای معارف آنان اشاره شد تا نشان داده شود بهترین اخلاقیات زیستی در تعالیم غنی عارفان مسلمان که خود خوشه چین قرآن و اهل بیت (ع) بوده‌اند، یافت می‌شود و می‌تواند چراغ راهنما و روشنگر بشریت برای حفظ و رشد بهداشت و سلامتی و بقای حیات طیبه الهی و انسانی باشد.

نتیجه

اخلاق زیستی به معنای علم زندگی و بقاست و اخلاق پزشکی بخشی از آن محسوب می‌شود. با عنایت به گستردگی تعالیم اخلاق اسلامی و سبک زندگی اسلامی، این اخلاق اعم و گسترده‌تر از اخلاق زیستی و اخلاق پزشکی است و این‌ها را نیز دربر می‌گیرد، اخلاق در خانه و خانواده یکی از زیرمجموعه‌های اخلاق اسلامی است که با اخلاق زیستی مترادف دارد. زیرا اهداف اخلاق و سبک زندگی اسلامی، پرورش انسان‌های مومن، صالح، مصلح، عالم، مفید و مجمع الفضائل است که ثمرات و نمونه‌های آن را در طول تاریخ و تمدن اسلامی به بشریت عرضه کرده است. از جمله اینها، عارفان ناب و ثقلینی است که در گسترش و توسعه سعادت و سلامت صلح و صفا و آرامش و رفاه جهان تاثیر و نقش غیر قابل انکاری داشته و دارند. از جمله نقش‌های تعیین‌کننده و تاثیرگذار اینان در گستره‌ای کوچک و ارزشمند است که نهاد مهم و اصیل خانواده را شامل می‌شود. همان کانون به ظاهر کوچکی که ملت‌ساز و جامعه‌پرور می‌باشد.

بررسی‌ها و مطالعات نشان داد که عارفان ثقلینی معاصر اولاً به اهمیت و نقش سازنده خانواده واقف بوده و به آن توجه داده‌اند. ثانیاً: وظایف، احکام و آداب و اخلاق زیست خانوادگی را در حد لازم و کافی از منابع دینی و اخلاقی و عرفانی فرا گرفته و مهارت‌های لازم را کسب کرده‌اند. ثالثاً: خود به عنوان همسر و پدر به وظایف و اخلاقیات خانوادگی خود برای حفظ و تقویت و ارتقای سلامت جسمی و روحی خانواده اقدام می‌کرده‌اند. لذا اکثر قریب به اتفاق آنها دارای همسران و فرزندان صالح و مفید بوده، از صفا و صمیمیت و آرامش و آسایش لازم بهره‌مند بوده‌اند. رابعاً: با عنایت به احساس مسئولیت در قبال مردم و جامعه در طول حیات خویش و در فرصت‌های مناسب افراد را نسبت به اخلاق زیست خانوادگی و سبک زندگی اسلامی آگاه کرده و توجه داده‌اند و در سیره نظری و

عملی خویش همه را به عوامل تحکیم خانواده، رعایت حقوق همسر، حقوق فرزندان، حقوق والدین و رعایت عفت و حجاب و... سفارش کرده و مستقیم و غیر مستقیم پیام داده‌اند که، رسیدن به کمالات دنیوی و اخروی و سلامت جسمی و روحی و ارتقاء و بقای حیات انسانی و آسایش و آرامش جامع با برخورداری از اخلاق نیک و شایسته در خانه و خانواده میسر و ممکن می‌گردد.

از آنجا که اخلاق زیستی بیشتر در علوم زیستی و پزشکی مدنظر بوده و کمتر به عمق اخلاق ارتقایی و تقریبی - الهی و عرفانی توجه شده است مطالعات و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای اخلاق زیستی - پزشکی با عرفان اسلامی که نماد و مظهر معنویت و سلامت و طبابت روحانی است ضروری و مفید به نظر می‌رسد و نیاز جامعه کنونی می‌باشد.

فهرست منابع

قرآن مجید

اسلامجو، حامد. (۱۳۸۷). پرسش‌های شما و پاسخ‌های آیت‌الله بهجت، چاپ هشتم، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی طوبای محبت

احمدی جلفایی، حمید. (۱۳۸۶). تندیس عشق، چاپ دوم، قم: منشور وحی
امینی‌نژاد، علی. (۱۳۸۷). آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) چاپ اول

انصاریان، حسین. (۱۳۷۹). نظام خانواده در اسلام، قم: انتشارات ام‌ایبها، چاپ چهاردهم
بهجت، محمدتقی. (۱۳۷۸). فریادگر توحید، چاپ یازدهم، قم: انصاری
بی‌نام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). (۱۳۸۶). خانواده پویا، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)

بی‌نام، هیأت تحریریه مؤسسه فرهنگی - مطالعاتی شمس الشموس. (۱۳۸۳). آسمانی، شرح زندگانی عارف مکتوم حضرت آیت‌الله العظمی میرزا احمدعلی شاه‌آبادی، تهران: انتشارات مؤسسه.
بی‌نام، هیأت تحریریه مؤسسه فرهنگی - مطالعاتی شمس الشموس، سوخته، تهران: انتشارات مؤسسه شمس الشموس، چاپ چهاردهم

بیگی، روح‌الله. (۱۳۸۹). ارزش‌های اجتماعی در قرآن، قم: انتشارات اسوه، چاپ دوم
پورمحمدی، علی. (۱۳۸۷). مبانی فلسفی اخلاق زیستی، تهران، موسسه فرهنگی حقوقی سینا، چاپ اول
جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۷). تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: نشر معارف، چاپ دوازدهم
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). مفاتیح الحیات، قم: نشر اسراء، چاپ پنجم
حاج علی اکبری، محمدجواد. (۱۳۷۹). مطلع عشق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و هفتم
دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۰). اخلاق اسلامی، قم: نشر معارف، چاپ اول
سادات، محمدعلی. (۱۳۶۵). اخلاق اسلامی، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران

سیحانی، جعفر. (۱۳۸۳). فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، قم: موسسه امام صادق(ع)، چاپ دوم
سیحانی‌نیا، محمدرضا و علی عسکری. (۱۳۸۸). مهر و قهر، اصفهان، انتشارات مرکز فرهنگی شهید مدرس

سبزیان، علی اکبر. (۱۳۹۱). زندگی به سبک روح‌الله، تهران: کانون اسلامی جوانان شهر خورشید، چاپ سی و سوم

سید علوی، سید ابراهیم. (۱۳۶۶). این‌گونه معاشرت کنیم، تهران: انتشارات رسالت قلم، چاپ چهارم

- شریفی، احمد حسین. (۱۳۸۶). آئین زندگی (اخلاق کاربردی)، قم: نشر معارف، چاپ سوم
- شریعت‌زاده خراسانی، محمود. (۱۳۸۶). آئین زندگی از دیدگاه قرآن و عترت، قم: انتشارات خادم‌الرضا(ع)، چاپ اول
- صدرالسادات دزفولی. (۱۳۶۹). صله رحم و اخلاق در خانواده از دیدگاه قرآن، تهران: کتابخانه صدر تهران.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (بی‌تا). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دارالعلم
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ ق). مکارم الاخلاق، قم: انتشارات شریف رضی، چاپ چهارم
- عطایی، مرتضی. (۱۳۷۵). خاطراتی از آئینه‌ی اخلاق، چاپ اول، مشهد: نشر الف
- فراهانی، مجتبی. (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی(ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)
- کریم‌خانی، حمزه. (۱۳۸۹). اخلاق خانوادگی عارفان، چاپ دوم، قم: عطر یاس
- مخزن الموسوی، ابوالحسن. (۱۳۸۹). الانسان الكامل فی النصوص العرفانیة الاسلامیه، پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی، چاپ اول
- محفوظی، عباس. (۱۳۸۸). اخلاق اسلامی، قم: موسسه انتشارات مشهور، چاپ اول
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، چاپ بیست و سوم
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). مسئله‌ی حجاب، چاپ شصت و چهارم، تهران: صدرا
- مهدی‌زاده، حسین. (۱۳۸۱). حجاب‌شناسی (چالش‌ها و کاوش‌های جدید)، چاپ اول، قم: حوزه‌ی علمیه‌ی قم
- نورمحمدی، محمد جواد. (۱۳۸۵). ناگفته‌های عارفان، چاپ اول، قم: آفتاب خوبان

یادداشت شناسه مؤلفان

دادخدا خدایار: استادیار گروه فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان

نشانی الکترونیک: abazeynab@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱/۲۵